جستارهای زبانی
دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۸، ش۵ (پیاپی ۴۰)، آذر و دی ۱۳۹۶، صص۲۹۳-۳۱۸

نشانه‌معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی(ع)

فاطمه اکبری‌زاده[۱*]، مرضیه محصص[۲]

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکدهٔ الهیات و ادیان، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۹/۲۱ پذیرش: ۹۶/۲/۲۵

چکیده

گفتمان *قرآن* گفتمانی چندلایه است. با بهره‌گیری از روش‌های مطالعهٔ معنا، فرایندهای ارزشی معنا و جنبهٔ کاربردی و تأثیری متن را تا حدودی می‌توان روشن کرد و از این میان، روش تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، با بازخوانی نظام‌های سیال متن ضمن روساخت قالب‌بندی‌شده، چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا را در نظام‌های گفتمانی تبیین می‌کند. این جستار با بهره از الگوی تنشی تحلیل به مطالعهٔ شصت آیهٔ نخست سورهٔ شعراء می‌پردازد که جهت الگودهی و آرامش‌دادن به پیامبر اکرم(ص)، گفتمان تبلیغی حضرت موسی(ع) را روایت می‌کند. فضای تنشی حاکم بر گفتمان آیات در عین دربرگرفتن نظام‌های گفتمانی مختلف با نوسان مرزهای معنایی، فرایند سیال معنا را در تعامل دو بُعد عاطفی و شناختی شکل می‌دهد. گفتمان آیات تعاملی است و متأثر از حضور حسی ادراکی و شَوِشِی ر شرایطی ناپایدار و غیرمنتظره قرار دارد؛ به طوری‌که در کشمکش طرف‌های گفت‌وگو با اتصال و انفصال در فضای گفته‌پردازی و نیز با رخداد زیبایی‌شناختی اعجاز، گفتمان به سمت مرکز عملیات گفته‌پردازی - که در اینجا «ربوبیت» است- سوگیری می‌کند تا فراتر از نقطهٔ توانش و کنش تبلیغی در ابعاد زیبایی‌شناختی، نتیجهٔ نهایی رقم بخورد.

واژه‌های کلیدی: گفتمان، *قرآن*، تحلیل نشانه‌معناشناسی، الگوی تنشی، موسی(ع).

* نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: f.akbarizadeh@alzahra.ac.ir

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

۱. مقدمه

قرآن‌پژوهی ادبی و زبانی که بیشتر در حوزهٔ مطالعات ساختاری و مضمونی منحصر بوده است، با تحول مطالعات زبان‌شناسی و ظهور نشانه‌شناسی پدیدارشناختی، به خوانش جدیدی از فرایندهای تعاملی گفتمان ***قرآن*** و ابعاد شناختی[۱] و عاطفی[۲] آن دست‌یافته است. مطالعات نشانه‌شناسی با گذر از سه مرحله- الف) مرحلهٔ تحول از ساخت‌گرایی سوسوریِ منحصر در مطالعات مکانیکی به‌دوراز روح فردی تولیدات زبانی، ب) مرحلهٔ نشانه معناشناسی روایی[۳] گرماسی مبتنی بر رابطهٔ تقابلی قطب‌های معنایی و نظر به نقش گفته‌پرداز در مطالعات زبان، و ج) مرحلهٔ پساگرماسی[٤]- به بُعد تعاملی زبان در فعالیت گفتمانی و بررسی روابط حسی- ادراکی در تولید معنا توجه کرده است (ر.ک شعیری،۱۳۸۵: ۱۱-۱۳). این پژوهش قرآنی با تحلیل بر مبنای الگوی مطالعاتی نشانه معناشناختی گفتمان- که خود نوعی برآیند نشانه‌شناسی ساخت‌گرا و نظام روایی مطالعات معنایی است (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱٦) و در آن متن به‌مثابهٔ محصول گفتمانی باز، پویا و در جریان در نظر گرفته می‌شود (قهرمانی،۱۳۹۲: ۱۰۸)- به مطالعهٔ گفتمان داستان موسی(ع) در بخش نخست سورهٔ شعراء می‌پردازد و با بررسی نظام‌های گفتمانی[۵]، چگونگی تولید و دریافت معنا در بُعد تعاملی فضای گفته‌پردازی را تبیین می‌کند و روشن می‌سازد که گفتمان هوشمند چگونه به «میدان عملیات گفتمان»[٦] تبدیل می‌شود تا گونه‌های نو و ناآشنا در آن تکثیر و معناهای غیرمنتظره در آن تولید شوند.

گفتمان ***قرآن*** بر اساس انسجام و کلیت معنایی‌اش، داستان‌های انبیا را بر اساس اغراض منطقی و عاطفی در هر سوره بیان می‌کند (خلف‌الله،۱۹۷۲: ۱۳۹-۱٤۰) و هر داستان در هر سوره با اسلوب متفاوت برای بیان حکمتی جدید ذکر می‌شود (مجد فقیهی،۱۳۹٤: ۲۲). سورهٔ شعراء سرگذشت هفت تن از انبیاء و گفتمان‌های آنان در تبلیغ امر رسالت را برای آرامش و روحیه‌دادن به پیامبر اکرم(ص) در امر تبلیغ دین اسلام ذکر می‌کند. این آیات هنگامی نازل شدند که مسلمانان سخت در اقلیت قرار داشتند و هیچ‌گونه موازنهٔ قدرتی وجود نداشت. در این سوره خداوند سرگذشت‌های مشابهی را از اقوام پیشین بیان می‌کند تا مسلمانان بدانند قدرت عظیم دشمن و ضعف ظاهری آن‌ها هرگز سبب شکست نخواهد شد و درنتیجه بر استقامت و پافشاری خود بیفزایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤: ۱۵/ ۱۹٦). گفتمان آیات نخست سورهٔ شعراء

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

نمودی از یک نظام گفتمانِ بستهٔ برنامه‌مدار تبلیغی است؛ اما در ادامه درمی‌یابیم که نظام این گفتمان بیش از هر چیز تعاملی است و متأثر از حضور حسی ادراکی و شوشی در شرایطی ناپایدار و غیرمنتظره قرار می‌گیرد و معنا سیال و متکثر می‌شود.

این آیات در دو بخش قابل‌بررسی است: ابتدا داستان دعوت به هدایت و سپس داستان هجرت. نخست فرایند روایی این دو گفتمان بررسی می‌شود و بُعد فضای تنشی شکل‌گرفته میان موسی و فرعون واکاوی می‌شود. سپس الگوهایی که در هرکدام از دو فضای ارزشی گفته‌پردازی موسی و فرعون پیش‌گرفته می‌شود، بازنمایی می‌گردد و در پایان نیز ابعاد زیباشناختی جهت‌دهندهٔ نتیجهٔ گفتمان آیات ترسیم خواهد شد. لذا نگارندگان با خوانش فضای تنشی آیات در نظر دارند به این سؤالات پاسخ دهند: فرایندهای گفتمانی در داستان رسالت حضرت موسی(ع) دارای چه الگوی تنشی هستند؟ ابعاد معنایی، ارزشی و زیبایی‌شناختی نظام‌های تعاملی گفتمان تبلیغی موسی (ع) چه فرایندی را شکل داده است؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

در باب تبیین نشانه معناشناسی گفتمان می‌توان تألیفات شعیری را پیشتاز دانست. وی در کتاب ***تجزیه و تحلیل نشانه معناشناختی گفتمان*** (۱۳۸۵) به بررسی عملیات گفتمانی و عناصر و ابعاد آن می‌پردازد و در کتاب ***نشانه معناشناسی ادبیات*** (۱۳۹۵) ویژگی‌های چهار نظام گفتمانی را به‌تفصیل شرح می‌دهد. وی این ابزار تحلیلی را در بازنمایی لایه‌های سیال معنایی گفتمان قرآنی نیز به‌کار گرفته است. اخیراً برخی از پژوهشگران به خوانش نشانه معناشناختی گفتمان قرآنی توجه کرده‌اند، برخی مانند حق‌بین و بیدادیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشانه-معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سورهٔ قیامت بر پایهٔ مطالعات نشانه‌شناختی گریماس» (۱۳۹۲) به بررسی نظام گفتمان روایی آیات مربوط به قیامت و معاد از سورهٔ قیامت و ساختار زیربنایی و پدیدارشناسی زیبایی‌شناختی آن پرداختند و برخی مانند داودی مقدم در مقالات «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم (ع) بر اساس تحلیل نشانه معناشناسی گفتمانی» (۱۳۹۲) و «تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان در قصهٔ یوسف (ع)» (۱۳۹۳) به توصیف و تبیین انواع نظام‌های گفتمان روایی در داستان حضرت ابراهیم(ع) و داستان حضرت یوسف (ع) پرداخته است. وی همچنین در مقالهٔ «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

موسی(ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی »(۱۳۹۳)، نظام‌های گفتمان روایی داستان موسی(ع) و خضر در سورهٔ کهف را تحلیل و از دید روایت داستانی، نمونه‌هایی از نظام‌های نشانه‌معنایی را توصیف کرده است. سعادات و همکارانش در مقالهٔ «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در ***قرآن*** با تکیه بر الگوی تنشی» (۱۳۹۲) درپی خوانش بر مبنای الگوی پساگریماسی آیاتِ ناظر به کرامت در گفتمان ***قرآن*** برآمده‌اند. شریفی و نجم‌الدین نیز در مقالهٔ «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سورهٔ الرحمن» (۱۳۹۳) با استفاده از همین الگو به تحلیل محورهای تنشی و معرفتی سوره در دو سطح جزئی و کلی و جمع بندی تأثیر انگیزشی و معرفتی بر مخاطب پرداخته‌اند. پاکتچی و همکاران در مقالهٔ «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سورهٔ «قارعه» (۱۳۹٤)، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی **با بهره از** الگوی تنشی دلالت به ترسیم فرایندهای گفتمانی این سوره پرداخته‌اند و این الگو را به‌تفصیل توضیح داده‌اند. جستار حاضر نیز در ادامهٔ تلاش‌های پیشین، در سوره‌ای دیگر از ***قرآن***، به بازخوانی نظام‌های سیال معنا در نظام تنشی گفتمان داستان موسی می‌پردازد.

۳. مفاهیم نظری

۳-۱. گفتمان قرآن

ساحت چندوجهی ***قرآن*** کریم، نقش دوگانهٔ معرفت‌بخشی و انگیزه‌بخشی دارد (شریفی،۱۳۹۳: ٤۹). ***قرآن*** اثری منسجم و کلیت‌یافته است. نزول تدریجی ***قرآن*** نه‌تنها از وحدت آن نکاسته، بلکه رویکردهای درونی و مبتنی بر مسائل زبانی و سبکی ***قرآن***، بر جلوه‌های پیوستگی و اعجاز زبانی آن افزوده است (میر،۱۳۹۰: ۱۲) و انسجام گفتمان ***قرآن***، در تمامی ابعاد معرفتی، موضوعی و ساختاری در یک سوره و در ارتباط سوره‌ها باهم در کلیت قرآنی قابل دریافت است.

۳-۲. اتصال(پیوست[۷]) و انفصال (گسست[۸]) گفتمانی

گفتمان فعالیت زبانی، حاصل تعامل گفته‌پرداز و گفته‌یاب در موقعیت ارتباطی خاص است (ر.ک: شعیری،۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). گفته[۹] محصول جریان تولید گفتمان یا همان گفته پردازی[۱۰] است. در

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

فرایند گفتمان سه مؤلفهٔ عامل، زمان و مکان دخیل هستند. در تولید گفتمان با نوعی عمل‌کنندهٔ حسی ادراکی «جسمار» مواجه هستیم که با موضع‌گیری[11] گفتمانی گاه متوجه مواضع کمیتی شده و باعث بسط یا گستره[12] یا انفصال[13] گفتمانی می‌گردد و گاه بر آنچه از درون موجب تنش و فشاره[14] می‌شود، متمرکز شده و سبب قبض، فشاره یا اتصال[15] گفتمانی می‌گردد (*همان*: ۳۰). در زمان تحقق عمل زبانی گفتمان برای تولید گفته راهی جز نفی مؤلفه‌های سه‌گانه -من، اینجا، اکنون-نیست که از طریق عملیات برش، این نفی صورت می‌گیرد که به ترتیب به «غیر من، غیر اینجا و غیر اکنون» بدل می‌شود(*همان:* ۲۵) و موجب افزایش گسترهٔ کلامی می‌گردد. عملیات اتصال گفتمانی با بازگشت به بنیان‌های گفتمان (من، اینجا، اکنون) موجب محدودیت حوزهٔ کلامی است. به عقیدهٔ ژاک فونتنی[16] اتصال گفتمانی با گستردگی در تضاد است و به مرکز اصلی گفتمان نزدیک است و موجب بالا رفتن فشاره یا فشردگی و قبض کلام می‌شود (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹٤). به عقیدهٔ کورتز[17] (۱۹۹۱: ۲۵۵) در بازگشت به مرکز گفتمان در عملیات اتصال گفتمانی، فضای گفته ناپدید می‌شود.

(اتصال) قبض یا حصار گفتمانی # (انفصال) بسط یا گریز گفتمانی

۳-۳. عملیات گفتمان

گفتمان، نوعی عملیات زبانی است که به شکل‌گیری معنا منجر می‌شود. گفتمان به‌دلیل پویایی‌اش، همواره ما را با نوعی موضع‌گیری گفتمانی، بسط روابط، تعامل بین نیروهای مختلف مواجه می‌کند (شعیری ۱۳۸۸: ۳٦). عملیات گفتمان از یک موضع به‌عنوان «مرکز[18]مرجعیت راهبردی» هدایت می‌شود *(همان:*۳۲). «فضای گفته‌پردازی» (قلمرو خود اینجا اکنون)، محل بیشترین فشارهٔ عاطفی و محدودترین گسترهٔ شناختی است. (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹۳). افق[19]های میدان گفتمان، گستردگی حوزهٔ حضور گفتمانی را می‌سازند و بر گستره می‌**افزایند** و عوامل غیرعاملی و زمانی و مکانی را در گفتمان وارد می‌سازند (شعیری، ۱۳۸۵: ۳۲).

۴-۳. الگوی تنشی [20]

گفتمان به‌مثابهٔ جایگاهی است که در آن، انسان در موقعیتی جهت‌مند و هدف‌مند با دنیا و اشیا، ابطهٔ حسی- ادراکی، یعنی عاطفی و شناختی دارد. این پایگاه حسی- ادراکی ایجادکنندهٔ نوعی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

حضور است که براساس آن فضـای تنشـی در رابطـه‌ای نوسـانی و فراینـدی شـکل مـی‌گیـرد. براساس نظریهٔ ژاک فونتنی طرح‌وارهٔ تنشی فرایند گفتمـان چهـار گونـه اسـت کـه بـر روی دو محور X در بُعد فشـاره (عـاطفی) و محـور Y در بُعـد گسـتره (شـناختی) قابـل ترسـیم اسـت (فونتنی، ۱۹۹۸: ۱۰۰-۱۰۸): طرح‌وارهٔ فرایندی افت یا تنزل تـنش؛ طـرح‌وارهٔ فراینـدی افـزایش یـا اوج فشارهٔ عاطفی؛ طرح‌وارهٔ فرایندی افزایش هم‌زمان قدرت فشـاره‌هـا و گسـتره‌هـا؛ طـرح‌وارهٔ فراینـدی کـاهش هـم‌زمـان قـدرت فشـاره‌هـا و گسـتره‌هـا (ر.ک: شـعیری، ۱۳۸۵: ۳۳-٤٤؛ شریفی،۱۳۹۳: ٥٤- ٥٧). این چهار منطقه این‌گونه تصویر می‌شوند:

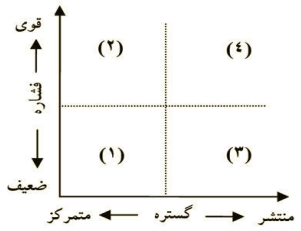
طرح‌وارهٔ تنشی فرایند گفتمان

(۱) منطقة فشارة ضعیف و گسترة متمرکز؛ (۲) منطقة فشارة قوی و گسترة متمرکز؛

(1) Low intensity Area and Concentrated Extensity; (2) Strong Intensity Area and Concentrated Extensity

(۳) منطقة فشارة ضعیف و گسترة منتشر؛ (۴) منطقة فشارة قوی و گسترة منتشر.

Low Intensity Area and Diffused Extensity; (4) Strong Intensity Area and (3) Diffused Extensity



۴. تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان آیات ۱۰-۶۸ از سورهٔ شعراء

گفتمان سورهٔ شعراء، بـر اسـاس شَـوِش (نگرانـی) و حالـت خـاص روانـی اجتمـاعی حـاکم بـر مسلمانان و پیامبر اسلام (ص) شکل گرفته که البته مشابه با حال پیامبران گذشته است و گفتمان-های مختلف انبیا در طول سوره در ارتباط زنجیره‌ای باهم منسجم پیش می‌روند تا نمونـه‌هـایی مشابه از گفتمان تبلیغی به پیامبر اسلام باشند تـا انـواع اسـتراتژی‌هـای گفتـه‌پـردازی بـرای آن

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

حضرت در زبان وحی مرور شود و ایشان الگو گیرد. این عامل شوشی، به روایت فضای تنشی گفتمان داستان انبیا و نخست حضرت موسی(ع) منجر می‌شود

۱-۴. عبور از گفتمان روایی کنشی به گفتمان سیال

در بررسی گفتمان این آیات به‌نظر می‌رسد که نوعی گفتمان بسته، برآمده از دستور شکل‌گرفته است که با الگوی روایی گفتمان گرماس قابل‌تحلیل است، آن‌گونه‌که معنا در قالب نظام گفتمانی بسته و مشخص تابع تغییر وضعیت از وضعیت اولیه به ثانویه بر ۀ یا برنامه‌ای منسجم است که همه‌چیز از یک نقصان آغاز و به عقد قرارداد منجر می‌شود. توانایی لازم برای کنشگر جهت انجام کنش، در افعال بایستن، توانستن، دانستن و خواستن جمع می‌شود ودرنهایت کنش لازم و ارزیابی[۲۱] شناختی و عملی آن صورت می‌گردد (ر.ک: شعیری،۱۳۸۵: ٦٥-٦٦).

عقد قرارداد فرایند روایت گفتمان تبلیغی موسی(ع) از نقطۀ نقصان یعنی ابلاغ رسالت و دعوت به ایمان و تقوی و به تبع آن رفع ظلم از بنی‌اسرائیل آغاز می‌شود. گفتمان تبلیغ با فرمان پروردگار جهت رفع نقصان ضلالت بنی‌اسرائیل آغاز می‌شود. نظام گفتمان هوشمند، آمرانه، دستوری با برنامۀ مشخص است (ر.ک: همو،۱۳۸۸: ۱۷) و فرمان وحی در همین نظام گفتمان ابلاغ می‌شود (شعراء/٢٦ /١٠-١١). موسی مأمور می‌شود تا بنی‌اسرائیل را به تقوی دعوت کند. پیمان درونی بر مبنای میثاق رسالت شکل می‌گیرد؛ اما ضعف روحیۀ موسی(ع) در مواجهه با دشمن سرکش و قوی چون فرعون مانع تحقق کنش است. موسی(ع) در برابر وظیفۀ خود از چهار چیز مخلّ تحقق گفتمان دستوری وحی، بیمناک است (فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۲۸۰): تکذیب، ضیق صدر، عدم فصاحت کافی و قصاص (مکارم، ١٣٧٤: ١٥/ ١٩٨). موسی به‌عنوان کنشگر گفتمان تبلیغی در مواجهه با ضد کنشگر[۲۲] (فرعون) ، کنش‌یاری[۲۳] چون برادرش هارون و نیز توانمندی زبانی و اندیشگانی می‌طلبد (شعراء/ ١٢/٢٦-١٤). کنش‌گزار اصلی (خداوند) فراتر از خواستۀ او، در کنار او وبرادرش قرار می‌گیرد:

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ (شعراء/ ١٥/٢٦)

واژۀ «کلّا: هرگز» درنهایت ایجاز و تأکید، جای هیچ بهانه و نگرانی را باقی نمی‌گذارد. «إنّا معکم» خداوند خود را در کنار آن‌دو قرار می‌دهد تا جمع این حضورها به قدرتی عظیم برای کنش مبدل شود. اینجا با نظام گفتمانی کنشی-تجویزی مواجه‌ایم. کنش‌گزار[۲٤] برای تحقق

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

ارزش[۲۵]، به شکل دستوری کنش لازم را انجام می‌دهد (ر.ک: شعیری،۱۳۹۵: ۲٤-۲۹). دستور امری «إذهبا: بروید» برای تحقق ارزش (ترسیم ربوبیت و هدایت به آن) داده می‌شود و موسی(ع) با آگاهی، اراده و شناخت و باورمندی وارد کنش در عملیات گفتمان تبلیغی می‌شود.

« نظام روایی کنشی»

نقصان یا بحران ← توانش در تحقق و تصاحب ابژهٔ ارزشی ←
کنش ← ارزیابی شناختی و عملی

موسی وارد کنش می‌شود و به تبلیغ امر وحی مبادرت می‌ورزد؛ اما روند روایت در آخرین مرحله، یعنی «ارزیابی[۲٦] کنش» شکلی متفاوت می‌گیرد. در این مرحله کنشگر بر اساس موفقیت یا شکست در کنش باید پاداش گیرد یا تنبیه شود (شعیری،۱۳۹۵: ٤۰)؛ اما در گفتمان آیات خبری از چنین ارزیابی نیست و اینجاست که دیگر فرمول تحلیلی نظام روایی پاسخ‌گو نیست. دیگر نمی‌توان حضور معناساز را به رابطهٔ تقابلی و عینی با ابژه تقلیل داد، بلکه گفتمان تحت کنترل رابطه‌ای حسی_ادارکی پیش می‌رود و نتیجه حاصل می‌شود.

داستان گفتمان آیات در دو بخش، صحنهٔ مواجهه با فرعونیان است: ابتدا ابلاغ دعوت که از آن سخن رفت، و دیگری هجرت که برش گفتمانی آیات ۵۲-٦۸، صحنهٔ هجرت را ترسیم می‌کند. «هنگامی‌که موسی(ع) حجت را بر آن‌ها تمام کرد، و صفوف مؤمنان و منکران مشخص شد، دستور کوچ‌کردن بنی‌اسرائیل به موسی داده شد» (مکارم،۱۳۷٤: ۱۵/ ۲۳٦). این دومین نظام روایی با دستور هجرت شکل می‌گیرد (شعراء/۲٦ /۵۲). عقد قرارداد گفتمان هجرت، با نقطهٔ نقصان اتمام‌حجت و شدت گرفتن اضطرار با دستور الهی در عین ایمان قلبی به همراهی و پشتیبانی خداوند، توانش[۲۷] لازم برای کنش هجرت را فراهم می‌سازد. موسی، بنی‌اسرائیل را بسیج می‌کند و فرمان حرکت می‌دهد؛ اما باز هم نتیجه و ارزیابی طبق روندی برنامه‌مدار و منطقی حساب شده نیست که بتوان در روند نظام روایی بررسی کرد، بلکه اموری فراطبیعی و خارق‌العاده نتیجهٔ روایت را رقم می‌زنند و بُعد زیبایی‌شناختی حاکم تعیین‌کنندهٔ معنا می‌گردد.

روشن است آنچه در گفتمان آیات رخ می‌دهد جریانات و فرایند تعاملی است که شرکای گفتمانی با ارائه سبک خاصی از حضور در تعامل دو بُعد شناختی و عاطفی شکل می‌دهند. معنا دیگر تنها برآمده از نظام بسته درون گفتمان نیست بلکه معانی در ارتباطات انسانی و تنش

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

موجود در میان فرایندهای دلالت به معنای تازه و نو تبدیل می‌شوند (شریفی،۱۳۹۳: ٥٤). از همین رو در اینجا الگوی سیال تنشی قابل پیگیری است.

۲-۴. تحلیل نظام گفتمان تنشی

گفت‌وگوهای آیات نخستین سورهٔ شعراء، رابطهٔ تنگاتنگی با بافت تنشی برآمده از نگرانی پیامبر از روند هدایت و تأثیرپذیری مردم و مخالفان دارد. « شاید تو از غصه و غم و اندوه خود را تلف کنی، برای اینکه این کفار و مشرکین ایمان نمی‌آورند»(شعراء/۳/۲٦) و از این‌رو «همین‌که گفت‌وگوها به پایان می‌رسد تنشِ پنهان در موقعیت که سبب اظهارات به‌نسبت ملایمِ آغازین، مجالی برای بروز نیافته بود، به ناگاه قوت می‌گیرد» (میر،۱۳۹۰: ۱۵۹). تکرار این مضمون: «آنان که حقیقت را انکار می‌کنند حتی با دیدن معجزه هم متقاعد نخواهند شد» در نُه آیهٔ اول سوره و آیات ١٦- ۳۷ به جهت‌گیری‌های حسی ادراکی در برابر حق و شکل‌گیری معنا در فضای تنشی اشاره دارد. سوره هربار با تکرار دو آیهٔ کلیدی «إِنَّ فِي ذَالِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيم» (شعراء/٢٦/ ٨-٩، ٦٧-٦٨، ١٠٣-١٠٤، ١٢١-١٢٢، ١٣٩-١٤٠، ١٥٨-١٥٩، ١٧٤-١٧٥، ١٩٠-١٩١) وارد روایت سرگذشت انبیای گذشته می‌شود و همچون حلقه‌ای پیوندی در انتهای هر بخش از داستان انبیا تکرار می‌شود تا همهٔ زنجیرهای گفتمانی در یک سلسلهٔ منسجم در پاسخ به پیامبر قرار گیرند.

۱-۲-۴. تحلیل فرایندهای گفتمانی (در ابعاد حسی-ادراکی)

در نظام گفتمانی تنشی، کنش تحت کنترل وضعیت تنشی تنظیم می‌شود و ابژه از وضعیت بیرونی خارج می‌گردد و وضعیتی درونی می یابد (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۸). حضرت موسی(ع) در فضای تنشی حاکم بر گفتمان، در نخستین موضع‌گیری، خود و برادرش را «فرستادهٔ رب‌العالمین» معرفی می‌کند تا از همان نقطه‌ای که توانش لازم را به‌دست آورده است، وارد عملیات گفته‌پردازی شود. از همین جا مرکز عملیات گفتمان در نقطهٔ «ربوبیت» شکل می‌گیرد و گفته‌پردازی از عمق فضای تنشی استوار بر مجموعهٔ جریان‌های حسی ادراکی آغاز می‌شود:

إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ(١٦) أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ(١٧)

در گفت‌وگوی میان موسی و فرعون، هریک سعی دارند دیگری را به حاشیه برانند و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

وضعیت طرف مقابل را بی‌اثر و ضعیف جلوه دهند. هریک می‌کوشند بر دیگری تأثیر بگذارند و کنش‌گزار باشند و توانش او را به سمت کنش مطلوب خود سوق دهند. هر دو گفته‌پرداز به‌عنوان شرکای گفتمانی در تعامل با هم، سعی دارند مرکز عملیات گفته‌پردازی را برای تأثیر بر مردم به دست‌گیرند؛ لذا انتساب به «ربوبیت» اهمیت می‌یابد. فرعون در نخستین گام خود را «رب» می‌خواند و با بازنمایی خاطرات سعی می‌کند دایرهٔ عملیات منتسب به خویش را توسعه دهد. فضای تنشی، فضایی سیال دارای عمق دوسویه است که می‌تواند پیش‌تنیده (خاطره‌ای درگذشته‌های دور) یا پس‌تنیده (انتظاری در آینده) باشد (شعیری،۱۳۸۵: ۹۶-۹۷). فرعون با تأکید بر ربوبیت خود، با ذکر خاطراتی از گذشته و نیز با ترسیم آینده سعی می‌کند (ر.ک: شعراء/۲۶/۱۸-۱۹) تا عمق فضای تنشی گفتمان از گذشته تا آینده (چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی) تنیده شود. فرعون از خاطرهٔ ربوبیت خود در پروراندن و بزرگ کردن موسی(ع) می‌گوید و موضوع را به سرنوشت آیندهٔ او یعنی حمایت از وی در قضیهٔ قتلی که انجام داده‌است، می‌گوید تا با برانگیختن احساسات او و نیز خاطرنشان‌کردن عواقب مخالفت با فرعون، او را به با خود همراه سازد اما موسی(ع) این فرایند را به چالش می‌کشد و با پاسخ‌های قاطعانه(ر.ک: شعراء/۲۶/۲۰-۲۲)، توطئهٔ او را خنثی می‌سازد.

موسی(ع) اتهام را انکار نمی‌کند؛ اما توضیح می‌دهد که در زمان ارتکاب خطا از گمراهان بوده است. وی بخشی از صحبت خود را حذف می‌کند تا نشان دهد حمایت خاندان سلطنت را در خور مکالمه نمی‌داند. موسی(ع) نه‌تنها از دام فرعون می‌گریزد، بلکه فرعون را مقصر و مجرم جلوه می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱٦۱). فرعون درمانده، مسیر کلام را تغییر می‌دهد و به‌منظور تجاهل و تحقیر، مرکز عملیات گفته‌پردازی، یعنی نقطهٔ «ربوبیت» را نشانه می‌گیرد و با لحنی طعنه‌آمیز و گزنده می‌پرسد: «وَ مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳): پروردگار عالمیان چیست؟».

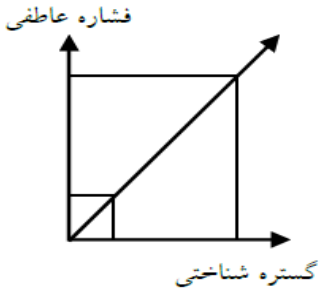
فرعون ضمن انفصال از فضای گفتمانی موسی(ع) سعی می‌کند بنیان آن را به چالش بکشد. موسی(ع) نیز بدون توجه به نیت و لحن فرعون، پرسش او را بسیار جدی پاسخ می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱٦۱). مرکز فضای گفته‌پردازی که نقطهٔ تراکم انرژی‌ها و فشاره‌ها یا همان مرکز ارجاع عملیات گفتمان است (پاکتچی،۱۳۹٤: ۵۳)، در نقطهٔ مرکزی «ربوبیت ربّ‌العالمین» پی‌ریزی می‌شود. با توجه به اینکه هدف، تأثیر در قلب فرعون و مردم جهت پذیرش حق است، لذا خط مشی روش تبلیغی موسی(ع) و هارون در چارچوب کلام آرام و بامحبت (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۲۸۱)،

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

یعنی در اوج فشارهٔ عاطفی است. موسی(ع)[۲۸] در فرایندی افزایشی از همان مرکز فشارهٔ عاطفی قوی، مرکز ربوبیت را در پیوند با ابژه‌های متعدد دیگر قرار می‌دهد و با گسترش جهانِ گفته، گسترهٔ شناختی را منتشر[۲۹] می‌کند و در گزاره‌ای کلی و جهان‌شمول، ربوبیت خداوند را در دایرهٔ تمام هستی ترسیم می‌سازد.

قالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (٢٤) « قَالَ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ ءَابَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ(٢٦)» قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (٢٨)



شکل ۱. الگوی تنشی با فرایند افزایشی

Figure1. Amplificational Tensive Pattern

در فرایند افزایش هم‌زمان قدرت فشاره‌های عاطفی و گستره‌های شناختی، انگیزش عاطفی و کنشی جهت حرکت به مسیر هدایت صورت می‌گیرد.

از اینجا به بعد، فرعون و موسی هریک به‌عنوان گفته‌پرداز، در دو میدان عملیات به مبارزه برمی‌خیزند و هریک در تعامل با مردم به‌عنوان گفتهٔ پایان فضای تنشی خاصی را حاکم می‌کنند، لذا در اینجا با دو فضای تنشی «گفتمان فرعون» و «گفتمان موسی» مواجه هستیم.

الف) فضای تنشی گفتمان فرعون

فرعون به‌عنوان گفته‌پرداز با حفظ فشارهٔ عاطفی و تأکید بر ربوبیت و قدرت و حاکمیت خود، همچنین با واردساختن مردم به فضای گفته‌پردازی، بر گسترهٔ فضای تنشی گفتمان می‌افزاید.

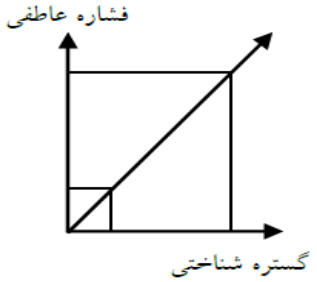
قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَ لَا تَسْتَمِعُونَ(٢٥) ... إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِى أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ(٢٧) قَالَ لَئِنِ اتخَّذْتَ

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

إِلَاهًا غَيرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ(۲۹)

اینجـا و در تعامـل فرعـون بـا مـردم، ابتـدا در نظـام گفتمـان احساسـی شـاهد گفتمـان تنشی-عـاطفی هسـتیم. فرعـون بـا اسـتفاده از فضـای تنشـی مـی‌کوشـد بـا تغییـر احساسـات شوشگران آن‌ها را به‌سوی کنش مطلوب یعنی انقیادپذیری سـوق دهـد (ر.ک: خراسـانی، ۱۳۸۹: ٦۲). فرعون از ناحیهٔ موسی احساس خطر مـی‌کنـد و بـا تمسـخر و لحـن هشـداری در فشـارهٔ عاطفی بالا بر مردم متمرکز می‌شود و سپس گستره را بیشتر می‌کند تـا بحـران شـامل آنـان و نیاکانشان شود.



شکل ۲. الگوی تنشی با فرایند افزایشی

Figure2. Amplificational Tensive Pattern

بدین‌ترتیب فرعون در مقابله با موسی با گسترش دامنهٔ مخاطبان گفتمان خود و فشاره‌هـای عاطفی شورمند[۳۰] از نقطهٔ ربوبیتی که خود بر مردم دارد، به‌طور مستقیم بر آنان تأثیر می‌گـذارد تا با جوسازی تنشی-عاطفی، دینامیسم حرکت مخاطبان را جهت دهد و خواسـتن و بایسـتن بـه آن ها دیکته گردد و بـا فرعـون همـراه شـوند. همچنـین فرعـون فضـای گفتـه‌پـردازی خـود را ارزشـمند و گفتمـان موسـی و یـارانش را گفتمـانی بیگانـه و قابـل‌حـذف مـی‌سـازد. بـا عبارت«رسولکم»، موسی(ع) را به مخاطبان خود منتسب می‌کند و نسبت جنـون و دیـوانگی بـه او می‌دهد تا نه تنها او بلکه پیروانش را نیز شامل شود و اثر منطق نیرومند او را در افکار حاضـران خنثی کند. فرعون تهدید می‌کند که اگر بدون اجازه ایمان آورند همه را زندانی خواهد کرد.

حرکـت دیگـر، در سـبک حضـور تنشـی- کنشـی[۳۱] در رونـدی برنامـه‌منـد، دسـتیابی بـه ارزش‌هاست (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ٤٥)؛ لذا در فضـای تنشـی گفتمـان فرعـون، مطـابق الگـوی

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

تجویزی که «رابطه‌ای عقلانی برنامه‌مدار و قردادی میثاقی» (شعیری، ۱۳۹۵ :۲۹) است ، فرعون در فرایندی کنشی هوشمند، به تحدی امر می‌کند (شعراء/۲٦ /۳۰-۳۱). یکی از ابزارهایی مخالفان رسالت، اتهام‌زنی است (خرسندی،۱۳۷۹ :۱٦۳-۱٦۵). فرعون برای عاجز نشان دادن موسی با دروغگو خواندن او، از او می‌خواهد معجزه بیاورد: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!». گفتمان فرعون با حفظ همان روند افزایشی ساختار فضای تنشی ذکرشده و تقویت ربوبیت فرعون، برای تحریک مردم نوعی مشارکت می‌جوید تا با ایجاد باور در آن‌ها، جهت انجام کنش مطلوب، کنار او جمع شوند. وی شروع به تخطئه موسی(ع) می‌کند:

قَالَ لِلْمَلَا حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ(۳۴) يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ(۳۵) وَ قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ(۳۹)

در جریان شناختی با دو ابزار تأثیرگذاری شناختی یکی مجابی و دیگری تفسیری مواجه‌ایم و باورهای فرهنگی اجتماعی حاکم به عنوان باور ارجاعی و نیز روش تهدید، ترس یا تحریک، به مجاب نمودن منتهی می‌شود (شعیری،۱۳۸۵: ٦٤-٦۵). پس فرعون با القا[۳۲]، آنان را به سمت انکار و تقبیح موسی(ع) سوق می‌دهد. جریان شناختی که فرعون ایجاد می‌کند (هرچند از جهت ارزشی بر پایهٔ فریب است)، برای مجاب[۳۳] نمودن و نه اقناع مؤثر است؛ لذا در بخش اول داستان، مردم را مجاب می‌کند که باید در برابر موسی(ع)بایستند؛ پس پیشنهاد مقابلهٔ ساحران با موسی را می‌دهند (شعراء/ ۳٦/۲٦-۳۷). اینجا اطرافیان فرعون یا اغفال می‌شوند یا آگاهانه این تهمت او را می‌پذیرند که او «ساحر» است و در مقابل ساحر باید از ساحران ماهرتری کمک خواست (مکارم،۱۳۷٤: ۱۵/ ۲۲۰). در اینجا شاهد گفته‌پردازی ساحران هستیم:

قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نحَنُ الْغَالِبِينَ(۴۱) نَعَمْ وَ إِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ(۴۲)

تأکیدات کلامی و اطمینان ساحران به موفقیت و اضطرار موقعیت فرعون، تعاملی کنشی برپایهٔ القائات فرعون است و فرعون جزای آنان را در تقرب به خود تعیین می‌کند؛ اما بعد از تغییر ساحران، فرعون شگفت‌زده تلاش می‌کند مردم را با خود همراه سازد. وی وانمود می‌کند این سرپیچی ناشی از تأثیر دعوت موسی (ع)در ردّ سلطهٔ فرعون نیست و توطئه‌ای ازپیش‌طراحی‌شده است (فضل‌الله،۱۳۸۹: ۲۹۲)؛ پس در گفتمانی تنشی- عاطفی با بالا بردن فشارهٔ عاطفی و در گسترهٔ پرشمار، همه را به مرگ و شکنجه تهدید می‌کند یا با اتهام‌زنی به

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

دسیسه، سعی دارد توانش آن‌ها را از بین ببرد، بر کنششان تأثیر بگذارد، با جوسازی تنشی-عاطفی، مردم (به‌خصوص ساحران) را در مسیر همراهی خود قرار دهد و همه را به قتل و نابودی و اخراج تهدید کند (شعراء/٤٩/٢٦) که البته سودی ندارد.

در بخش دوم داستان(هجرت) نیز فرعون به هدفِ مبارزه با موسی(ع) و یارانش به منظور بسیج عمومی نیروها برای مغلوب ساختنشان، از گفتمان القایی استفاده می‌کند:

إِنَّهُمْ لَنا لَغائِظُونَ (۵۵) وَ إِنَّا لجَمِيعٌ حَاذِرُونَ(۵۶) فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ(۶۰)

در نظام القایی، تعامل میان هر دو طرف گفتمان، سبب تعیین یا شکل گرفتن کنش می‌شود و یکی از دو طرف باید دیگری را متقاعد کند (شعیری،۱۳۸۸ :۱۸). فرعون با افزایش فشارهٔ عاطفی و استفاده از القا با راهکارهایی چون تحریک، فریب، وسوسه و اغوا به بهانه اینکه موسی و یارانش اندک‌اند، ما را به خشم آوردند و ما آمادهٔ پیکار با آنان هستیم، توان لازم را در یاران خود فراهم می کند تا لزوماً همگان برای از بین بردن بسیج شوند؛ هرچند ارزیابی نهایی عملکرد، نتیجه‌ای فراکنشی است. در فضای تنشی ترسیم‌شده در گفتمان فرعون، سبک حضور گزینشی و حذفی و فشاره‌ای تأکید می‌شود. در این سبک تنشی گزینشی[۳٤]، با عدم پذیرش فضای بیگانه، این فضا در وضعیت فشاره‌ای محکوم به حذف است (شعیری، ۱۳۹۵: ٤٧). فرعون در اینجا موسی(ع) و به تبعش پیروان او را در گسست گفتمانی با فضای گفتمانی خویش قرار می‌دهد تا مردم بدانند که عواقبی مانند بیرون رانده شدن و مجازات که بر سرشان می‌آید، برآمده از انتخاب این سبک حضور است.

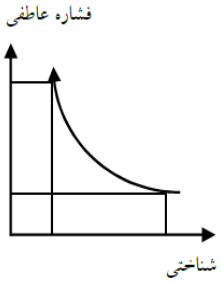
ب) فضای تنشی گفتمان موسی(ع)

موسی(ع)ضمن نفی خداوندگاری فرعون، فضای گفته‌پردازی فرعون (برپایهٔ ادعای ربوبیت خود) را فضایی بیگانه می‌خواند و ربوبیت صرفاً به خداوند جهانیان منتسب می‌کند. موسی(ع) در نقض نظام شوشی فرعون از عقلانیت و یقین می‌گوید و پروردگار را ربّ تمام مشرق و مغرب و آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌ها می‌خواند؛ امری که بر کسی پوشیده نیست مگر آنان‌که از تعقل و یقین به‌دورند. فضای تنشی گفتمان موسی(ع) در چالش با فضای تنشی گفتمان فرعون در خطاب با مردم قرار می‌گیرد تا حقیقت جلوه‌گر شود و مردم خود، سبک حضور خویش را برگزینند. فرعون با تأکید بر ربوبیت خود، جذب گسترهٔ فراوان از مردم را در دستور کار خود می‌دهد و از مردم و ساحران به هر ترفندی برای همراه‌سازی با خود استفاده می کند

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

تا در فرایند افزایشی تنشی گفتمان، موقعیت خود را به‌عنوان مرکز گفته‌پردازی در جامعه حفظ کند؛ اما در فضای تنشی گفتمان موسی(ع)، بیشتر تأکید بر پیوست حضور در دایرهٔ گفتمان با مرکزیت ربوبیت حق‌تعالی است. این پیوست حضور، عملیات گفتمان را متمرکز[۳۵] می‌کند (فونتی ،۱۹۹۸ :۵۸). موسی(ع) در ابتدا درخواست خود را با نام مردم مطرح می کند و با فرایندی افزایشی به گفته‌پردازی می‌پردازد تا در فشارهٔ عاطفی قوی، مردم را در سایهٔ فضای گفتمانی ربوبیت الهی قرار دهد؛ اما در ادامهٔ گفته‌پردازی، فرایند نظام تنشی گفتمان رسالت به سمت مرکز عملیات و در جهت یکی کردن گستره‌های وجودی متعدد در ذات وجود ربوبی پروردگار، در عمق[۳٦] پرفشار عملیات گفتمان قرار می‌گیرد.



شکل ۳ الگوی فشاره‌ای تنشی

Table3. The pattern of Tensive Intensity

در این فرایند صعودی[۳۷] ، «در بعد التفاتی[۳۸] سوژه به‌سوی چیزهایی روی می‌آورد که در درونش یک فشاره و نیروی حس آگاه برمی‌انگیزد» (پاکتچی، ۱۳۹٤: ۵۱). اینجا نوع حضور التفاتی است. به‌سبب معجزات، همه در عمق فضای گفته‌پردازی وارد و در آن جذب می‌شوند به‌طوری‌که ضمیر «ما» مشتمل بر همهٔ آن‌هایی است که در اتصال به رب «ربنا» قرار می‌گیرند.

قَالُواْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ(۴۷) ... قَالُواْ لَا ضَيۡرَ لنا إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ(۵۰) إِنَّا نَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ أَوَّلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ(۵۱)

لذا در دستور به هجرت نیز می‌بینیم مخاطبان (مردم) با ورود به فضای گفته‌پردازی (قلمرو خود و اینجا و اکنون) تبدیل به «ما» شدند و خداوند نیز با تأکید بر این اتصال، می‌فرماید با «بندگانِ من» «بِعِبَادِی» (شعراء/۵۲/۲٦) هجرت کن. پس مخاطبان گفتمان تبلیغی از افق دور در

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

قلمرو گفته‌پردازی بـه مرکـز «ربوبیـت» نزدیـک شـده و بـه عمـق وارد شـدند تـا در پیونـد بـا «رب‌العالمین» با انگیختگی فراوان و با عاطفهٔ قوی حضور یابند. در داستان هجرت، که مـردم در برابر خود دریا و در پشت‌سر لشگر فرعونی را که به دنبال نابودی‌شان است، می‌بینند نگـران و دچار نوعی لغزش می‌شوند و بیم این می‌رود «ما»ی شکل‌گرفته توسط فرعونیان نابود شود.

قَالَ أَصْحَابُ مُوسىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ(۶۱) قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ(۶۲)

اضطرار و نگرانی یاران به شـکل‌گیـری گفتمـانی عـاطفی از نـوع حسـی- ادراکـی در نظـام تعاملی مبتنی بر نوعی هم‌سویی یا هم‌ارتبـاطی[۳۹] حضـوری منجـر شـده اسـت. شـیوهٔ حضـور هریک از طرفین سبب تولیـد حسـی مشـابه و سـپس حرکـت و کنشـی مشـابه در طـرف دیگـر می‌گردد (شعیری،۱۳۸۱: ۸۵). در این لحظهٔ حساس رویارویی، تعامل بر اساس هم‌ترازی عاطفی شکل می‌گیرد و اطمینان خاطر در موسی(ع) به یاران تسری مـی‌یابـد تـا بـا اسـتقامت در مسـیر ایمان گام نهند. پیوست به مرکز قوی ربوبیت و اتصال به او و آرامـش خـاطر در عـدم رسـیدن هرگونه گزند به مردم، بر بُعد التفاتی گفته‌پردازی « إِنَّ مَعِيَ رَبِّي: پروردگارم با من اسـت» تأکیـد دارد. موسی(ع) با قاطعیت اطمینان می‌دهد خداوند با ماست و نتیجهٔ نهایی به دست اوست. کنش-گزار اصلی (ربّ) از نقطهٔ اوج فشاره با ابرکنشی اعجازی، نتیجه را رقم می‌زند.

۲-۲-۴. تحلیل بُعد زیبایی‌شناختی[۴۰] گفتمان

در دو فضای تنشی گفتمان موسی(ع) و فرعون، مردم به‌عنوان مخاطبان یا همان گفته‌یابان، هدف هستند تا تحت تأثیر قرارگیرند و به‌سوی عمق مرکز عملیات گفتمانی هدایت شـوند. همـان‌طـور که پیش‌تر دیدیم فرعون با سبک حضور تنشی- کنشی، برنامه‌ای طراحی می‌کنـد و سـاحران را به مبارزه با موسی(ع) می‌خواند و با بالا بردن فشارهٔ عاطفی حاکم بر گفتمان، گسـترهٔ زیـادی از مردم را موردنظر قرار می‌دهد؛ اما در فضای گفتمان ربوبیت الهی که موسـی(ع) شـکل مـی‌دهـد همه‌چیز از درون شکل می‌گیرد و باطن افراد متحول و قلـب‌هـا متمایـل مـی‌شـود؛ یعنـی نـوعی وضعیت رخدادی در سبک حضور تنشی- شوشی. وقتی شوش بسیار دفعی و یـک‌بـاره تـابع لحظه‌بارقه[۴۱] باشد، حالت ازخود بیخودی رخ می‌دهد و شوشگر در وضعیت شوریدگیِ حضـور به سر می‌برد (شعیری،۱۳۹۵: ٤٤). اینجا ساحران در یک لحظـه، در وضـعیت کوبشـی تکانـه‌ای قرار می‌گیرند و در برابر معجزهٔ الهی متنافر با سحرشان، خیره می‌ماننـد و قـدرت عمـل از کـف

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

می‌دهند و در یک شوک حسی ادراکی غافلگیر و به‌نوعی استحاله می‌شوند و وضعیت استعلایی می‌یابند.

وقتی فرعون به تحدی برمی‌خیزد، هماوردی ساحران طبق توافق قبلی، برنامهٔ از قبل تعیین‌شدهٔ فرعون اجرا می‌شود. ساحران پشتوانهٔ توانشی خود را از جایگاه فرعون استمداد می‌کنند تا بتوانند وارد کنش شوند (شعراء/ ٢٦/ ٤٤)، با توکل بر قدرت فرعون، ریسمان‌ها و عصاهای خود را بر زمین می‌افکنند؛ اما ابرکنش رخدادی اعجاز شکل می‌گیرد.

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ(٣٢) وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ(٣٣)

فَأَلْقَى مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ(٤٥)

اعجاز را می‌توان ابرکنش رخدادی مبتنی بر مشیت الهی دانست؛ زیرا بروز معنا برق‌آسا بوده، از هیچ برنامه از قبل تعیین‌شده تبعیت نمی‌کند (شعری،۱۳۸۸: ۲۲). ابرکنش غیر بشری در گفتمانی رخدادی از نوع مبتنی بر مشیت الهی صادره از منبع قدرتمند الهی خلاف عمل دروغین ساحران رقم می‌خورد که نتیجهٔ آن خیره‌کننده است. نظام رخدادی، به‌دلیل ویژگی نامنتظری، ماهیت شَوِشی دارد و حواس در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (همو،۱۳۹۲: ٩٤). آنچه ساحران می‌بینند بر تمامی حواس و قوهٔ عقل و ادراک آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دگرگونی شدید در آن‌ها رقم می‌زند. ساحران در اینجا در فضای گفتمانی موسی(ع) با محوریت ربوبیت الهی، دچار تحول درونی می‌شوند و با فشارهٔ عاطفی بالا از فضای گفته‌ای فرعون که نسبت به فضای گفته پردازی موسی(ع) بیگانه است جدا می‌گردند و با سرعت به عمق مرکز عملیات گفتمان ربوبی موسی(ع) جذب و متصل می‌شوند. همه‌چیز در لحظه رقم می‌خورد (همو،۱۳۸۸: ۲۰). رابطهٔ تعاملی و درهم‌تنیدهٔ ابژه و سوژه، برپایهٔ پذیرش حقانیت از درون است. باور و ایمان در دل ساحران نفوذ می‌کند و کنشی غیرمنتظره رقم می‌خورد:

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (٤٦)

قرآن تسلیم ساحران را با «أُلقی: افکنده شدند» تعبیر می‌کند: «چنان تحت تأثیر جاذبهٔ معجزه موسی(ع) قرار گرفتند که گویی بی‌اختیار بر زمین افتاده و سجده کردند» (طباطبایی،١٤١٧: ٢٧٥/١٥). در این نوع گفتمان، منِ شخصی (ساحر) با گذر از تجربهٔ شناختی با قرار گرفتن در وضعیتی شَوِشی، دچار نوعی استحاله می‌شود و به منِ استعلایی تبدیل می‌گردد، به مرکز گفتمان پردازی رسالت پیوند می‌خورد، و به مرحلهٔ کنش وارد می‌شود. این استحاله به‌سبب

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

وجـود فـرااارزش در گفتمـان تبلیـغ رسـالت اسـت. فـرااارزش ارزشِ ارزش و ضـامن و تکیه‌گاهی برای ارزش در نظامی حسی ادراکی است (شـعیری،۱۳۸۵: ۱۹۸). فـرااارزش توحیـدی در اینجا فضایی زیبایی‌شناختی می‌آفریند که به باور درونی و اقناع منتهی می‌شود. از همـین رو ساحران در مسیر خود پایدارند و در برابر تهدیدهای فرعون، هرگز متزلزل نمی‌شـوند، بلکـه بـه ایمان خود تصریح می‌کنند: «ما به پروردگار عالمیـان ایمـان آوردیـم!» (شـعراء/٤٨/٢٦) و بـرای اینکه جای هیچ ابهام و تردید باقی نماند و فرعون نتواند این سخن را تفسیر دیگری کنـد، اضـافه کردند: «به پروردگار موسی و هارون» (*همان*:٤٩).

پاسخ ساحران «قَالُواْ لَا ضَیر لنا إِنَّا إِلیَ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ» (*همان:۵۰*)، گفتمان شوشـی ادراکـی در اصرار بر ایمان است. «لاضـیر لنـا» بیـان‌کننـدۀ درونیـات آنـان و شـدت پیونـد و ایمانشـان بـه پروردگار است و«منقلبون» ضمن بیان استمرار و دوام امر، از انقلابی کامل بدون تزلزل حکایـت دارد (یاسوف، ٢٠٠٦: ۱۷۳). آن‌هـا چنـان بـه مرکـز گفتـه‌پـردازی «ربّ» نزدیـک مـی‌شـوند کـه پروردگار را در کنار خود «ربنا» خطاب قرار می‌دهند و از او مغفرت مـی‌طلبنـد. تأکیـد بـر «رب» در سراسر این گفتمان‌ها شاید از آن جهت است که «آنچه می‌تواند انسان را به حمـد و کـرنش و تسلیم و خضوع و اطاعت و رغبت و امید و ... وادارد، ... مالکیتی اسـت کـه در آن ربوبیـت الهـی جاری است، آفرینشی که درآن حکمت، علم‌وتدبیر و رحمت و سیر تدریجی و تکاملی و هدف‌مند موج می‌زند» (ترابی، ۱۳۸۹: ۲۱).

در بخش دیگر در داستان هجرت، سال‌هـا بعـد از صـبر بـر ظلـم فرعـون دسـتور کـوچ بـه بنی‌اسرائیل داده می‌شود؛ فرعونیان در پی آنان روانه می‌گردند و یاران موسی(ع) میان دشـمن از یک‌سو و دریا از سوی دیگر محاصره می‌شوند. گفتمان دستوری وحی ابلاغ مـی‌شـود: «مـا بـه موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا زن!» تا فرایند زیباشـناختی حضـور در اعجـاز شـکل گیرد. «ناگهان دریا شکافته شد، آب‌ها قطعـه‌قطعـه شـدند، و هـر بخشـی همچـون کـوهی عظـیم روی‌هم انباشته گشت! و در میان آن‌ها جاده‌هـا نمایـان شـد» تـا سرنوشـت قـوم بـا ابرکنشـی رخدادی مبتنی بر مشیت خداوند رقم بخورد. فرعون و فرعونیان مبهوت این معجـزه بـه تعقیـب موسی و یارانش وارد جاده‌های دریایی می‌شوند و فرمان نـابودی (شـعراء/٦٣/٢٦-٦٦) صـادر می‌شود.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

۵. نتیجه‌گیری

در نگاه نخست، وجه دستوری وحی این طور به ذهن می‌رساند که گفتمان آیات، گفتمانی روایی بسته است و می‌توان در محور فرایند کنشی روایت و در فضای قطبی تحلیل کرد؛ اما عدم ارزیابی، مطابق فرمول این نوع روایت و نیز اخلال روند برنامه‌مدار بودن نظام گفتمان و حضور عناصر زیبایی‌شناختی نشان می‌دهد تعامل حسی ادراکی در فرایند روایت مؤثر است و فرایند گفتمان در فضای تنشی بر پایهٔ تعاملات حسی ادراکی و نیز ابعاد زیبایی‌شناختی رقم می‌خورد.

گفتمان آیات بر اساس روابط تعاملی و بیناوابسته در فرایند حسی ادراکی نوسانی برای تصاحب ارزش درونی شکل می‌گیرد. تنش برآمده از تزلزل پایه‌های اعتقادی در ترسیم ربوبیت، سرچشمهٔ گفتمان‌سازی آیات می‌گردد؛ امری که تمام وجود، حافظه و ادراک گنشگران را درگیر می‌کند.

ربوبیت مرکز عملیات گفته‌پردازی است. ابتدا موسی(ع) و فرعون در فضای تنشی شکل گرفته سعی می‌کنند با الگوهای گفتمانی، یکدیگر را اقناع و همراه سازند؛ اما درنهایت از هم جدا می‌شوند و خود فضای گفته‌پردازی جدیدی شکل می‌دهند تا بر گفته‌یابان (مردم) تأثیر بگذارند.

در فضای تنشیِ گفتمان فرعون، با فرایند افزایشی و نیز جوسازی‌های تنشی–عاطفیِ بیشتر، از سبک حضور تنشی عاطفی تبعیت می‌شود و فرعون با روشی برنامه‌مدار دنبال تخطئهٔ موسی(ع) و تحدی است. در بخش داستان هجرت نیز در فرایند افزایشی و نیز استفاده از الگوی گفتمان القایی بر سبک گزینشی و حذفی تأکید می‌شود تا مردم از ترس به سمت فضای ارزشی گفتمان او روند.

در فضای تنشی گفتمان موسی(ع)، ابتدا در فرایند افزایشی به گسترهٔ زیاد در فشارهٔ بالا توجه می‌شود و سپس با الگوی اتصال گستره به مرکز عملیات پرفشارهٔ «ربوبیت خداوند»، گفته‌یابان به عمق متصل می‌شوند. در کنار این وجه التفاتی، ابعاد زیبایی‌شناختی متجلی در اعجاز برباطن افراد تأثیر می‌گذارد تا فراارزش توحیدی باوری درونی و پایدار در آن‌ها شکل دهد. در داستان هجرت نیز همین الگوی رخدادی اعجاز به رقم خوردن نتیجهٔ روایت منجر می‌شود.

متناسب با هدف آغازین گفتمان، نتیجهٔ نهایی نیز از سوی خداوند به‌عنوان کنش‌گزار اصلی چنین روایت می‌شود: «ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌ها بیرون کردیم و بنی‌اسرائیل را وارث

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

قراردادیم»(شعراء/۲۶/۵۷-۵۹). سرانجام، نابودی فرعونیان و نجات بنی‌اسرائیل به ارادهٔ الهی محقق می‌شود یعنی کنش‌گزار اصلی، موسی(ع) نبوده‌است که با به‌دست آوردن پیروزی یا عدم پیروزی مورد ارزیابی قرار گیرد؛ بلکه کنش‌گزار اصلی خداوند است و موسی(ع) واسطهٔ ارتباط ابژه (مردم) در فضای تنشیِ هدایت است. با این روایت قلب پیامبر اکرم(ص) به‌عنوان مخاطب اولیه آیات آرام می‌گیرد تا بداند او کنش‌گزار اصلی نیست و خداوند خود، همه امور را تدبیر می‌کند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. cognitive
2. emotional
3. semiotic narrative
4. post-Greimasian
5. discursive systems
6. instance of discourse
7. engagement
8. disengagement
9. utterance
10. enunciation
11. taking of position
12. extensity
13. disjunctive connection
14. intensity
15. conjunctive connection
16. J.Fontanille
17. Courtés.J
18. center
19. horizen
20. tensive model
21. evaluation
22. opponent
23. Helper
24. sender
25. object
26. evaluation
27. competence
28. amplification
29. diffused

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

30. tonic
31. mode of efficiency
32. manipulation
33. persuasion
34. exclusive mode
35. concentrated
36. depth
37. ascendance
38. intentional
39. Co-communication
40. aesthics
41. aesthesie

۷. منابع

- ***قرآن*** کریم.
- احمدی، بابک (۱۳۸۸). ***ساختار و تأویل متن***. تهران: نشر مرکز.
- آیتی، اکرم (۱۳۹۲) «بررسی نشانه – معناشناسی گفتمان در شعر «پی دارو چوپان» نیما یوشیج». ***جستارهای ادبی***. ش ۱۸۰. صص ۱۰۵-۱۲٤.
- بابک معین، مرتضی (۱۳۸۳). «سیر زایشی معنا». ***مقالات اولین هماندیشی نشانه-شناسی هنر***. چ ۱. تهران: فرهنگستان هنر.
- پاکتچی، احمد و همکاران (۱۳۹٤).«تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه»، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». ***جستارهای زبانی***. دورهٔ ٦. ش ٤ (پیاپی۲۵). صص ۳۹-٦۸.
- ترابی احمد (۱۳۸۹). «ربوبیت و تربیت». ***پژوهش‌های قرآن***. س ۱٦. ش٦۱. صص ٤-۲۱.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله و ابراهیم کنعانی (۱۳۹۰). «بررسی الگوی نشانه‌معناشناسی گفتمانی در شعر قیصرامین‌پور». ***پژوهشنامهٔ‌زبان و ادب فارسی***. س۵. ش ۲. صص ۱۱۵-۱۳٦.
- حق‌بین، فریده و فهیمه بیدادیان قمی (۱۳۹۲). «بررسی نشانه-معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سورهٔ قیامت بر پایهٔ مطالعات نشانه‌شناختی گریماس». ***زبان‌شناخت***. س ٤. ش۲. صص ۵۱-۷٤.
- خراسانی، فهیمه (۱۳۸۹). ***بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایهٔ نظریهٔ نشانه-معناشناسی روایی گرمس***. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

دانشگاه تربیت مدرس. دانشکدهٔ علوم انسانی.

- خرسندی سرتیشنیزی، سعید (۱۳۷۹). ***استدلال و احتجاج در قرآن***. تهران: نشر آصف.
- خلف‌الله، محمداحمد (۱۹۷۲). ***الفن القصصی فی القرآن الکریم***. مکتبه الانجلو المصریه.
- داودی مقدم، فریده (۱۳۹۲) . «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم(ع) بر اساس تحلیل نشانه معناشناسی گفتمانی». ***هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی***. صص ۷۶۰-۷۷۲.
- ..... (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان در قصهٔ یوسف (ع)». ***آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی***. ش ۲۰. صص ۱۷۵-.
- ..... (۱۳۹۳). «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی(ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی». ***پژوهش‌های ادبی – قرآنی***. س ۲. ش ۳. صص ۱۵۸- ۱٦٤.
- سعادات مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲). «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در ***قرآن*** با تکیه‌بر الگوی تنشی». ***پژوهشنامهٔ تفسیر و زبان، ش۲***. صص ۲٤- ٤۲.
- شریفی، حدیث و فواد نجم‌الدین (۱۳۹۳).«تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سورهٔ الرحمن». ***پژوهشنامهٔ تفسیر و زبان قرآن***. ش ۵. صص٤۷-۷۲.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). ***مبانی معناشناسی نوین***. تهران: سمت.
- ---------- (۱۳۸۵). ***تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان***. تهران: سمت.
- ---------- (۱۳۸٦). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه- معناشناسی». ***هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران***. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ---------- (۱۳۸۷). «روش مطالعهٔ گفته‌ای و گفتمانی در حوزهٔ نشانه- معناشناسی». ***مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه- شناسی هنر***. تهران: فرهنگستان هنر.
- ----------(۱۳۸۸). «از نشانه-شناسی ساختگرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی». ***نقد ادبی***. س۲. ش ۸. صص ۳۳-۵۱.
- ---------- و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل نشانه معناشناختی شعر باران». ***ادب پژوهی***. ش۲۵. صص ۵۹-۸۹.
- ----------(۱۳۹۵) . *نشانه معناشناسی ادبیات*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

مدرس.

- طباطبایی، سید محمد حسین (١٤١٧ق). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم. چ ٥.
- فضل‌الله، محمدحسین (١٣٨٩). ***گفت‌وگو و تفاهم در قرآن کریم***. ترجمهٔ سید حسین میردامادی. چ٢. تهران: هرمس.
- قهرمانی، مریم (١٣٩٢).***ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد نشانه‌شناختی***. تهران: - مؤلف.
- مجد فقیهی، محمدعلی و روح‌الله دهقانی (١٣٩٤).«بررسی تفسیری تکرار قصهٔ حضرت موسی(ع) در قرآن». ***فصلنامهٔ مطالعات تفسیری***. س ٦. ش ٢٢. صص ٧-٢٤.
- محمدی، محمدهادی و علی عباسی (١٣٨١). ***صمد: ساختار یک اسطوره***. تهران: چیستا.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤). ***تفسیر نمونه***. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- میر، مستنصر و حسین عبدالرئوف (١٣٩٠). ***مطالعهٔ قرآنی به‌منزلهٔ اثر ادبی***. ترجمهٔ ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر .
- یاسوف، أحمد (٢٠٠٦). *دراسات فنیة فی القرآن الکریم*. سوریه: دارالمکتبی.

References

- Ahmadi, B. (2009). *Structure and Text Interpretation*. Tehran: Markaz [In Persian].
- Ayati, A. (2013). "Semiotic analysis of discourse in Nima Youshij's poem 'Pey dar-o cho". *Literary queries*. No. 180, Pp.105-124 [In Persian].
- Babak Moein, M. (2004). Generative itinerary of Signification. *Proceeding of First Symposium of the Semiotics of art*. 1st edition. Tehran: Academy of Art [In Persian].
- Courtés, J. (1991). *Analayse Sémiotique du Discourse. De L'Enoncé a l'Enonciation*. Paris: Hachette.
- Davoudi Moghadam, F. (2013). "The representation of consistency in the story of Prophet Ibrahim (AS) based on semiotics of discourse". *The 7th Conference on*

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

Persian Language and Literature. Pp. 760-772 [In Persian].

- Davoudi Moghadam, F. (2014). "Literary-linguistic analysis of the Qur'anic story of Moses and Khizr from the viewpoint of discourse systems". *Literary and Qur'anic Studies*, 2nd Year, No. 3. Pp. 158-164 [In Persian].
- Davoudi Moghadam, F. (2014). "Analysis of Semiotics Discourse in the story of Prophet Joseph (AS)". *Quranic teachings, Razavi Islamic University*. No. 20. P. 175 [In Persian].
- Fazlullah, M. H. (2010), *Conversation and Understanding in the Holy Quran.* Translated by Seyed Hussein Mirdamadi, 2th edition. Tehran: Hermes [In Persian].
- Fonanille, J. (1998). *Sémiotique Du Discourse*. Limoges. PULIM.
- Gahramani, M. (2013). *The Translation and Critical Discourse Analysis: Semiotic Approach***.** Tehran: Moaelf [In Persian].
- Haghbin, F. & F. Bidadian Qomi (2013)."Semiotic study of the Verses Qīyāmat and Ma'ādin Surah Qīyāmat; Based on Greimas Semiotic Studies". *Language Studies*. 4th yeqr, No. 2, Pp. 51-74 [In Persian].
- Hassan-Zadeh Mir A.; A. & I. Kanaani (2011). Study of semiotics of discourse 's patterns in Gheisar-e- Amin Pour poem". *Persian Language and Literature Research Center.* 5th Year, No. 2.Pp. 115-136 [In Persian].
- Khalifa Allah, M. A. (1972). *Art in the Holy Quran*. Anglo-Egyptian Library [In Persian].
- Khorasani, F. (2010). *A Study on the Stylistic Structure of Siavash Story based on Sign-Semantics Theory of Greimas*. M.A Thesis in Persian Language and Literature. Tarbiat Modares University. Faculty of Humanities. Tehran [In Persian].
- Khorsandi Sartishenizi, S. (2000). *Argument and reasoning in the Quran*. Tehran: Nashr Asif [In Persian].
- Majd Faghihi, M. A. & R. Dehghani (1394). "A comparative study on the

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

frequency of Musa`s story in Quran". *Journal of the Holy Quran and Islamic Texts*. Year 6th .No. 22. Pp. 7-24 [In Persian].

- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-islamiyah, Islamic Republic of Iran [In Persian].
- Mir, M. & H. Abdul Rauf (2011). Qur'anic study of literary work. Translated by Abolfazl Hariri. Tehran: Niloufar [In Persian].
- Mohammadi, M. H. & A. Abbasi (2002**).** ***Samad: The Structure of a Myth***. Tehran: Chista [In Persian].
- Pakatchi, A. et al. (2015). "Tensive semiotics of discourse in Surat Al-Qāriah; a new approach in semiotics of the Quranic discourse", *Language Related Research.* 6th period, No.4, (25th period) Pp. 39-68 [In Persian].
- Saadat Mostafavi et al. (2013). "Tensive Semiotics of "Kiramat" (dignity) in the Quranic discourse". *Journal of Qur'anic Interpretation and language*. 1st Period, No.2. Pp. 24- 42 [In Persian].
- Shairi, H. R. (2007). "A survey of variety of discourse systems from semiotic point of view". 7th Iranian Linguistics Conference. Tehran: Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- ---------- (2002). *The foundations of Modern Semantics*. Tehran: SAMT [In Persian].
- ---------- (2006). *Semiotic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT.[In Persian].
- ---------- (2008). "Methods of exploratory and discursive studies in semiotics". *Proceeding of first symposium of the Semiotics of Art*. 1st edition. Tehran: Academy of Art [In Persian].
- ---------- (2009). "From structuralism semiology to semiotics of discourse". *Literary criticism*. Year 2, No.3, Pp. 33-51[In Persian].
- ---------- (2013). "Semiotic analysis of Baran poem". *Literary Studie*s. No.25. Pp.59-89 [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]

- ---------- (2016). *Semiotics of Literature*. Tehran: Tarbiat Modares University Press [In Persian].
- Sharifi, H. & F. Najm al-Din (2014). "A Semiotic analysis of the discourse of Sora Al-Rahman". *Journal of Qur'anic Interpretation and language*. No. 5, Pp. 47-727 [In Persian].
- Tabatabaei, S. M. H. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān. Qom*: The Islamic Bookstore of Qom Scientific Foundation. 5th edition [In Arabic].
- Torabi, A. (2010). "Loyalty and Education". *Quranic Research*. 16th Year No.61,Pp. 4-21[In Persian].
- Yusef, A. (2006). *Artistic Studies in the Holy Qur'an*. Syria: Dar al-Maktabi [In Arabic].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-03-29]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1396.8.5.2.8]